

## مشخصه‌های روان‌سنجی مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده

امید شکری<sup>۱</sup>، نوشین تمیزی<sup>۲</sup>، محمد آزاد عبدالله پور<sup>۳</sup>، زهره السادات اخوی<sup>۴</sup>،

معصومه عبدالخالقی<sup>۵</sup>

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۱/۲۵

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف آزمون روان‌سنجی مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده (PSRS)؛ شولتز، بیم، زوکالا، جانسن و شولتز، (۲۰۱۱) در بین گروهی از دانشجویان ایرانی انجام شد. در مطالعه همبستگی حاضر ۳۲۴ دانشجوی کارشناسی (۱۳۰ پسر و ۱۹۴ دختر) به PSRS و مقیاس سازگاری هیجانی (EAM)؛ رایبو، آگادا، هانتنگاس و هراندز، (۲۰۰۷) پاسخ دادند. به منظور تعیین روایی عاملی PSRS از روش آماری تحلیل عاملی تأییدی و به منظور بررسی همسانی درونی PSRS از ضرایب آلفای کرونباخ استفاده شد. همچنین، به منظور مطالعه روایی سازه PSRS، ضریب همبستگی بین زیرمقیاس‌های واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده با سازگاری هیجانی گزارش شد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی PSRS نشان داد که در نمونه دانشجویان ایرانی ساختار چندبعدی PSRS شامل پنج زیرمقیاس واکنش‌پذیری طولانی، واکنش‌پذیری نسبت به اضافه‌بار کاری، واکنش‌پذیری نسبت به تعارض‌های اجتماعی، واکنش‌پذیری نسبت به ناکامی و واکنش‌پذیری نسبت به ارزشیابی اجتماعی، با داده‌ها برازش

۱. استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول) [omidshokri@gmail.com](mailto:omidshokri@gmail.com)

۲. کارشناسی ارشد گروه روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی

۳. استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد

۴. کارشناسی ارشد گروه روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی

۵. مربی گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه

مطلوبی داشت. نتایج مربوط به همبستگی بین زیرمقیاس‌های واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده با سازگاری هیجانی به‌طور تجربی از روایی سازه PSRS حمایت کرد. مقادیر ضرایب همسانی درونی زیرمقیاس‌های PSRS بین ۰/۷۵ تا ۰/۸۰ به دست آمد. در مجموع، نتایج مطالعه حاضر نشان داد که PSRS برای سنجش مفهوم واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده در دانشجویان ایرانی ابزاری روا و پایا است.

**واژگان کلیدی:** واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده، مقیاس، پایایی، روایی، ساختار عاملی

### مقدمه

گروه وسیعی از شواهد تجربی نشان داده‌اند که در گروه‌های متفاوت، مواجهه مستمر با تجارب استرس‌زا خطر ابتلا به بیماری‌های مختلف را افزایش می‌دهد (کوهن، جانیکی - دیورتس و میلر، ۲۰۰۷). البته نتایج برخی از مطالعات نیز نشان داده‌اند که مواجهه طولانی‌مدت با رخداد‌های استرس‌زا، پیامدهای منفی چندگانه این تجارب مانند انواع بیماری‌ها را گریزناپذیر نمی‌کند (استینهارت و دالبیر، ۲۰۰۸). بر اساس مدل‌های مفهومی فرایندمحور در قلمرو مطالعاتی استرس، مفهوم واکنش‌پذیری زیست - روان‌شناختی نسبت به استرس یا تفاوت‌های فردی در پاسخ به استرس، بخشی از الگوی کمی تغییرپذیری اندازه‌های مقداری متمایزکننده آسیب‌پذیری در رویارویی با عوامل استرس‌زا را توضیح می‌دهد (آلوت و همکاران، ۲۰۱۵؛ کولی، وینگیت، تاکر، رودیس - کریسویل، آکیف و هالینگسورث، ۲۰۱۵؛ مارسا - گاماگامی، مارسا، دینیس، هالر، زیمرمن و ایلرت، ۲۰۱۳؛ شولتز، هامرفلد، ایلرت و گاب، ۲۰۱۱).

1. Cohen, Janicki-Deverts & Miller
2. Steinhardt & Dolbier
3. Cole, Wingate, Tucker, Rhoades-Kerswill, O Keefe, & Hollingsworth
4. Marca-Ghaemmaghami, Marca, Dainese, Haller, Zimmermann & Ehler
5. Schlotz, Hammerfald, Ehler & Gaab

از یک طرف بر اساس دیدگاه شولتز، کوماستا، لایس، اینترینگر، جانس و واستا<sup>۱</sup> (۲۰۰۸)، کوهن، هامریک، رودریگوز، فلدمن، رابین و ماناک<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) و هاوکلی، برلیسن، پلمن، برنستان، مالاکی و کاسپیو<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) افراد در رویارویی با موقعیت‌های استرس‌زا نظام پاسخ‌دهی تقریباً پایدار یا الگوی ارجحی از پاسخ‌دهی به تجارب استرس‌زا را نشان می‌دهند و از طرف دیگر، طبق دیدگاه مک‌ایون<sup>۴</sup> (۱۹۹۸) وضعیت فعلی افراد و تجارب پیشین آن‌ها در مواجهه با عوامل استرس‌زا، شیوه انتخابی پاسخ‌دهی افراد به این تجارب را دچار تغییر می‌کند.

با توجه به گستردگی نظام‌های درگیر در واکنش‌پذیری زیست - روان‌شناختی به استرس، سنجش این مفهوم با محدودیت‌های عملی زیادی همراه است. سنجش آزمایشگاهی وجوه چندگانه پاسخ به استرس پرهزینه و در عمل تقریباً دشوار است. در نتیجه در چنین مطالعاتی اغلب پاسخ‌ها به استرس فقط یک‌بار یا در طول یک دوره زمانی محدود اندازه‌گیری می‌شود. بنابراین، یک مواجهه منفرد به‌طور پایایی الگوی ارجح واکنش‌پذیری را نشان نمی‌دهد. برای مثال، نتایج ممکن است نشان دهد که در مواجهه با استرس الگوی پاسخ‌های جمع‌آوری‌شده کورتیزل با برخی عوامل شخصیتی همبسته باشد اما ممکن است در یک مواجهه منفرد با عامل استرس‌زا مقادیر همبستگی بین پاسخ‌های مشاهده‌شده ناچیز شود (پروسیئر، گاب، هال هامر، لینتز، شومر و کریسام<sup>۵</sup>، ۱۹۹۷).

به‌طور مشابه، از طریق مواجهه مکرر با یک عامل استرس‌زای یکسان، سهم وراثت‌پذیری الگوی پاسخ‌ها به تجارب استرس‌زا افزایش نشان می‌دهد (فدیرنکو، ناگامین، هیاهامر، وادوا و واست<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴؛ فدیرنکو، شولتز، کریسام، بارتلس، هیلامر و واست<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶). علاوه بر این، بر اساس دیدگاه شولتز و همکاران (۲۰۰۸) ایده اختصاصی بودن

1. Kumsta, Layes, Entringer, Jones & Wust
2. Hamrick, Rodriguez, Feldman, Rabin & Manuck
3. Hawkley, Burlison, Poehlmann, Berntson, Malarkey & Cacioppo
4. McEwen
5. Pruessner, Gaab, Hellhammer, Lintz, Schommer & Kirschbaum
6. Federenko, Nagamine, Hellhammer, Wadhwa & Wust
7. Kirschbaum, Bartels & ellehammer

بالمقوله عامل استرس‌زا با پیش‌بینی تغییرپذیری پاسخ‌ها، اعتبار پاسخ‌های منفرد به یک عامل استرس‌زا را خدشه‌دار می‌سازد. به بیان دیگر، تغییرات پویا در زمان و اختصاصی بودن بالمقوله عوامل استرس‌زا سبب می‌شود که مقادیر همبستگی بین نقاط زمانی، عوامل استرس‌زا و نظام‌های پاسخ‌دهی کاهش نشان دهد.

در نظریه شناختی استرس فرض می‌شود که استرس محصول تعامل فرد - محیط است که در آن موقعیت از آنجا که فرد به‌طور بالمقوله مطالبات فراروی را آسیب‌زا و غیرقابل کنترل ارزیابی می‌کند طیفی از پاسخ‌های فیزیولوژیک و روان‌شناختی را نشان می‌دهد (لازاروس<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹). بر این اساس، طبق دیدگاه شولتز و همکاران (۲۰۱۱) واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده به‌مثابه کیفیتی است که زیربنای تفاوت‌های فردی در پاسخ‌های فیزیولوژیک و روان‌شناختی نسبت به استرس را تشکیل می‌دهد. به بیان دیگر، واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده به‌مثابه صفتی است که تفاوت‌های فردی نسبتاً پایدار در پاسخ‌دهی به تجارب استرس‌زا را مشخص می‌کند. بر اساس دیدگاه شولتز و همکاران (۲۰۱۱) واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده در طول زمان و در موقعیت‌های مختلف نسبتاً پایدار است.

سنجش واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده می‌تواند یا بر اساس نظام خود گزارش‌دهی پاسخ‌های نوعی به عوامل استرس‌زا در یک نقطه زمانی واحد باشد و یا بر نمونه‌گیری مکرر پاسخ‌های داده‌شده به استرس ادراک‌شده مبتنی باشد. اگرچه استفاده از این دو روش سنجش به نتایج مشابهی نمی‌انجامد، اما انتظار می‌رود در صورتی که الگوی ارجح پاسخ‌دهی افراد به تجارب استرس‌زای واقعی در شرایط زمانی متفاوت جمع‌آوری شود، همبستگی مشاهده شود (فدیرنکو و همکاران، ۲۰۰۴).

مرور شواهد تجربی و نظری نشان می‌دهد که در مدل فرایندی استرس، واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده با برخی رگه‌های شخصیتی مانند روان‌آزرده‌گرایی یا سازگاری هیجانی رابطه نشان می‌دهد. مفهوم روان‌آزرده‌گرایی یا سازگاری هیجانی -

---

1. Lazarus

به‌مثابه یکی از سازه‌های زیربنایی ساختار شخصیتی افراد، بر تمایل فرد به اضطراب، خصومت، افسردگی، تکانش‌گری و خجالتی بودن دلالت دارد (لازاروس، ۱۹۹۹). نتایج برخی مطالعات نشان داده‌اند از آنجا که افراد با نمره بالا در رگه روان آزرده‌گرایی در اضطراب صفتی نیز نمره بالایی کسب می‌کنند، سطوح بیشتری از واکنش‌پذیری نسبت به استرس را نشان می‌دهند (لازاروس، ۱۹۹۹).

مقیاس سنجش واکنش‌پذیری نسبت به استرس<sup>۱</sup> نخستین بار به‌وسیله شالتز، جانسن<sup>۲</sup> و شولتز (۲۰۰۵) با هدف اندازه‌گیری تفاوت‌های فردی در پاسخ با عوامل استرس‌زا در یک نمونه آلمانی توسعه یافت. واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده به‌مثابه شدت پاسخ ادراک‌شده فردی به موقعیت‌های استرس‌زا در زندگی روزمره عملیاتی‌سازی شده است. به‌منظور توسعه مقیاس، انتخاب گویه‌ها بر اساس دو اصل کلیدی انجام شد: اول، برای دستیابی به هدف سنجش واکنش‌پذیری کلی به استرس ادراک‌شده - در مقابل واکنش‌پذیری به هر موقعیت به‌طور خاص - گویه‌های منتخب توصیف‌گر گستره وسیعی از موقعیت‌های استرس‌زای زندگی روزمره مانند تعارض‌های اجتماعی، ارزشیابی اجتماعی منفی، شکست در تکلیف و اضافه‌بار بالا بودند. دوم، به‌منظور سنجش واکنش‌پذیری در خلال نظام‌های پاسخ‌دهی، طیفی از پاسخ‌های محتمل به موقعیت‌های استرس‌زا توسعه یافتند. بر اساس این دو اصل، ۲۹ گویه مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده شامل دو بخش گویه‌های توصیف‌کننده یک موقعیت استرس‌زا و سه گزینه پاسخ؛ معرف پاسخ‌های محتمل به استرس بود. بنابراین، هر گویه دربردارنده مواجهه فرد با استرس و پاسخ نوعی به یک عامل استرس‌زا را به تصویر می‌کشد. مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده شش مقیاس واکنش‌پذیری به‌اضافه‌بار کاری<sup>۳</sup> (احساس عصبی بودن، بی‌تابی و تهییج‌پذیری در پاسخ به‌اضافه‌بار کاری)، واکنش‌پذیری به تعارض‌های اجتماعی<sup>۴</sup> (احساس رنجیدگی و ناراحتی در پاسخ به تعارض، طرد و انتقاد اجتماعی)، واکنش‌پذیری

1. Perceived Stress Reactivity Scale (PSRS)
2. Schulz & Jansen
3. reactivity to work overload
4. reactivity to social conflicts

به ترس اجتماعی<sup>۱</sup> (احساس عصبانیت و فقدان اعتماد به نفس در پاسخ به ارزشیابی اجتماعی)، واکنش‌پذیری به ناکامی<sup>۲</sup> (احساس رنجیدگی و ناامیدی در پاسخ به ناکامی)، واکنش‌پذیری انتظاری<sup>۳</sup> (احساس عصبی بودن و تنش قبل از تکلیف یا تصمیم‌گیری مهم) و واکنش‌پذیری طولانی<sup>۴</sup> (دشواری احساس آرمیدگی پس از اضافه‌بار بالا) را شامل می‌شود (شالتز و همکاران، ۲۰۰۵).

در مطالعه شالتز و همکاران (۲۰۰۵) ضرایب همسانی درونی مقیاس‌های ابزار سنجش واکنش‌پذیری به استرس بین ۰/۷۱ تا ۰/۹۱ و مقادیر ضرایب پایایی آزمون باز آزمون پس از هفت ماه بین ۰/۶۳ تا ۰/۸۴ به دست آمد. علاوه بر این، در مطالعات باسکی - کارسچام، ابریکت، کرن، جیرنس و هیلهامر<sup>۵</sup> (۲۰۰۸) و ویسا، رالیدر، کارسچام و فلور<sup>۶</sup> (۲۰۰۶) فزونی اندازه‌های واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده در نمونه‌های بالینی در مقایسه با نمونه‌های غیر بالینی به‌طور تجربی از روایی سازه مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده حمایت کرد. علاوه بر این، در مطالعه فدیرنکو و همکاران (۲۰۰۶) تمایز در اندازه کمی پراکندگی مشترک بین مقادیر واکنش‌پذیری نسبت به عوامل استرس‌زا در دو قلوهای همسان ( $r=0/53$ ) در مقایسه با دو قلوهای ناهمسان ( $r=0/29$ ) از نقش تعیین‌کننده تأثیرات ژنتیکی در شکل‌گیری تفاوت‌های فردی در پاسخ به تجارب استرس‌زا به‌طور تجربی حمایت کرد.

در مطالعه شولتز و همکاران (۲۰۱۱) - که با هدف تحلیل روان‌سنجی نسخه انگلیسی مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده در بین گروهی از دانشجویان دختر و پسر آمریکایی، انگلیسی و آلمانی انجام شد - نتایج تحلیل عاملی اکتشافی PSRS - پس از حذف هفت گویه و عامل واکنش‌پذیری انتظاری - از ساختار پنج عاملی نسخه انگلیسی مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده شامل مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به

1. reactivity to social stress
2. reactivity to failure
3. anticipatory reactivity
4. prolonged reactivity
5. uske-Kirschbaum, Ebrecht, Kern, Gierens & Hellhammer
6. Wessa, Rohleder, Kirschbaum & Flor

ارزشیابی اجتماعی، مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به ناکامی، مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به تعارض‌های اجتماعی، مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به اضافه‌بار کاری و مقیاس واکنش‌پذیری طولانی به‌طور تجربی حمایت کرد. علاوه بر این، در مطالعه شولتز و همکاران (۲۰۱۱) نتایج تحلیل عاملی تأییدی چند گروهی - که با هدف آزمون تغییرناپذیری جنسی و هم‌ارزی بین گروهی ساختار عاملی نسخه انگلیسی مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده در بین دانشجویان انجام شد - به‌طور تجربی از هم‌ارزی ساختار عاملی در دو جنس و همچنین دانشجویان آمریکایی، آلمانی و انگلیسی حمایت کرد. در این مطالعه، ضرایب همسانی درونی PSRS در نمونه دانشجویان آلمانی بین ۰/۶۹ تا ۰/۸۹، در نمونه انگلیسی بین ۰/۶۹ تا ۰/۹۱ و در نمونه آمریکایی بین ۰/۶۲ تا ۰/۸۷ به دست آمد.

با توجه به آنچه گفته شد، تناقض مشاهده‌شده در یافته‌های مطالعات مختلف درباره الگوی ساختار عاملی نسخه‌های زبانی آلمانی و انگلیسی مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده و فقدان شواهد تجربی مکفی درباره ساختار عاملی PSRS در بین فراگیران ایرانی، در تبیین ضرورت و اهمیت انجام پژوهش فعلی قابل توجه است.

## روش

در مطالعه همبستگی حاضر از جامعه دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۳۲۴ دانشجوی کارشناسی (۱۳۰ پسر با میانگین سنی ۲۲/۲۰ سال (انحراف معیار=۳/۹۶، ۱۸-۲۹) و ۱۹۴ دختر با میانگین سنی ۲۰/۱۳ سال (انحراف معیار=۲/۲۶، ۱۹-۲۷)) به کمک روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. از بین دانشجویان، ۴۱ دانشجو (۱۲/۷ درصد) از گروه‌های آموزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۵۲ دانشجو (۴۶/۹ درصد) از بین گروه‌های آموزشی دانشکده فنی و مهندسی، ۸۲ دانشجو (۲۵/۳ درصد) از گروه‌های آموزشی دانشکده علوم و درنهایت تعداد ۴۹ دانشجو (۱۵/۱ درصد) از بین دانشجویان پزشکی انتخاب شدند.

ابزار سنجش پژوهش حاضر از قرار زیر است:

**مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده (PSRS).** شولتز و همکاران (۲۰۱۱) مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده را به هدف آزمون تفاوت‌های فردی افراد در الگوی پاسخ‌دهی به تجارب تنیدگی‌زا توسعه دادند. این مقیاس شامل ۲۳ ماده است که مشارکت‌کنندگان به هر ماده روی یک طیف سه‌درجه‌ای (گزینه الف=۰، گزینه ج=۱ و گزینه د=۲) پاسخ می‌دهند. در مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده گویه‌های ۲، ۱۰، ۲۰، ۵، ۱۷، ۱۹، ۸، ۱۳، ۱۵، ۱۸، ۱۱ و ۲۲ به‌طور معکوس نمره‌گذاری می‌شوند؛ بنابراین، در تمامی این گویه‌ها، کد صفر برای گزینه الف به کد ۲ تبدیل و سپس تحلیل می‌شوند. در مطالعه اسپلاتز و همکاران (۲۰۱۱) نتایج فن تحلیل مؤلفه‌های اصلی نشان داد که ساختار عاملی مقیاس از پنج زیرمقیاس واکنش‌پذیری طولانی (شامل گویه‌های ۲، ۱۰، ۲۰ و ۲۱)، واکنش‌پذیری نسبت به اضافه‌بار کاری (شامل گویه‌های ۱، ۷، ۱۲، ۱۶ و ۲۳)، واکنش‌پذیری نسبت به تعارض‌های اجتماعی (شامل گویه‌های ۳، ۵، ۶، ۱۷ و ۱۹)، واکنش‌پذیری نسبت به ناکامی (شامل گویه‌های ۸، ۱۳، ۱۵ و ۱۸) و واکنش‌پذیری نسبت به ارزشیابی اجتماعی (شامل گویه‌های ۴، ۹، ۱۱، ۱۴ و ۲۲) اشباع شده است. نتایج تحلیل عاملی تأییدی، یافته‌های حاصل از روش اکتشافی را تأیید کرد. علاوه بر این، در مطالعه شولتز و همکاران (۲۰۱۱) نتایج پراکندگی مشترک بین اندازه‌های به‌دست‌آمده از مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده با متغیرهای خودکارآمدی، روان‌رنجور خوئی، استرس مزمن و استرس ادراک‌شده از روایی سازه مقیاس به‌طور تجربی حمایت کرد. علاوه بر این، نتایج آزمون هم‌ارزی جنسی ساختار عاملی مقیاس از تغییرناپذیری نسبی مقیاس به‌طور تجربی حمایت کرد. در مطالعه شولتز و همکاران (۲۰۱۱) مقادیر ضرایب همسانی درونی نمره کلی مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده برای نمونه‌های آلمانی، انگلیسی و آمریکایی به ترتیب برابر با ۰/۸۹، ۰/۹۱ و ۰/۸۷ به دست آمد. در مطالعه حاضر، ضرایب همسانی درونی نمره کلی مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده و زیرمقیاس‌های واکنش‌پذیری طولانی، واکنش‌پذیری نسبت به اضافه‌بار کاری، واکنش‌پذیری نسبت به تعارض‌های اجتماعی،



واکنش‌پذیری نسبت به ناکامی و واکنش‌پذیری نسبت به ارزشیابی به ترتیب برابر با ۰/۹۰، ۰/۷۷، ۰/۸۱، ۰/۸۰، ۰/۷۵، ۰/۸۰ و ۰/۷۷ به دست آمد.

**مقیاس سازگاری هیجانی<sup>۱</sup> (EAM).** رایبو، آگادا، هانتنگاس و هرناوندز<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) ابزار سازگاری هیجانی را با هدف آزمون پایداری یا تعادل هیجانی افراد توسعه دادند. این مقیاس شامل ۲۸ ماده است که مشارکت کنندگان به هر ماده روی یک طیف شش درجه‌ای از ۱ (کاملاً موافق) تا ۶ (کاملاً مخالف) پاسخ می‌دهند. در مطالعه رایبو و همکاران (۲۰۰۷) نتایج پراکنندگی مشترک بین اندازه‌های مقیاس سازگاری هیجانی با اندازه‌های فهرست شخصیت آیزنک و پرسشنامه پنج عامل از روایی همگرای مقیاس سازگاری هیجانی به‌طور تجربی حمایت کرد. در مطالعه رایبو و همکاران (۲۰۰۷) ضریب همسانی درونی مقیاس سازگاری هیجانی ۰/۸۹ به دست آمد. در مطالعه حاضر، ضریب همسانی درونی مقیاس سازگاری هیجانی ۰/۸۸ به دست آمد.

در این مطالعه، به‌منظور آماده‌سازی نسخه فارسی مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده، از روش ترجمه مجدد استفاده شد. بنابراین، به‌منظور استفاده از مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده، نسخه انگلیسی آن برای نمونه دانشجویان ایرانی به زبان فارسی ترجمه شد. برای این منظور، با هدف حفظ هم‌ارزی زبانی و مفهومی، نسخه فارسی به کمک یک فرد دوزبانه دیگر به انگلیسی برگردانده شدند (مارسلا و لئونگ<sup>۳</sup>، ۱۹۹۵). در ادامه، دو مترجم درباره تفاوت موجود بین نسخه‌های انگلیسی بحث کردند و از طریق «فرایند مرور مکرر» این تفاوت‌ها به حداقل ممکن کاهش یافت. بر این اساس، مترادف معنایی نسخه ترجمه‌شده با نسخه اصلی به‌دقت بررسی شد. درنهایت، چند نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه روایی محتوا و تطابق فرهنگی این پرسشنامه را مطالعه و تأیید کردند. البته برای تعیین روایی محتوا و ضرورت اطلاع از عدم مغایرت گویه‌های ابزار با نرم‌های فرهنگی جامعه، فقط به تأیید شفاهی آن‌ها بسنده شد. این موضوع نیز قابل تعمق

1. Emotional Adjustment Measure (EAM)
2. Rubio, Aguado, Hontangas, & Hernández
3. Marsella & Leong

است که مقیاس انتخابی برای سنجش مفهومی توسعه یافته است که از لحاظ مغایرت با محتوای ارزشی جامعه، محققان را از هرگونه نگرانی دور نگه می‌داشت. لازم به ذکر است که در این مرحله برخی از متخصصان با هدف کمک به دقت سنجش واحد مفهومی مورد نظر، فقط به نکاتی پیرامون ویرایش ادبی ساقه برخی از سؤالات اشاره داشتند که پس از بررسی دقیق به وسیله محققان مطالعه حاضر، غالب آن نکات اعمال شدند؛ بنابراین، اجماع نظر و توافق جمیع متخصصان درباره کفایت محتوایی مقیاس با درج کتبی آن بر روی نسخه‌ای که در اختیار داشتند، مبنای اطمینان به برخورداری مقیاس از ویژگی روایی محتوا واقع شد.

در این مطالعه، تحلیل داده‌ها بر پایه نظریه کلاسیک تست انجام شد. ابقا یا حذف مواد مقیاس به اتکای مشخصه‌های آماری تحلیل عاملی صورت گرفت. در این مطالعه برای استفاده از تحلیل عامل تأییدی از روش حداکثر احتمال برای برآورد الگو و همسو با پیشنهاد هو و بنتلر<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) به منظور ارائه یک ارزیابی جامع از برازش الگو از شاخص مجذور خی ( $\chi^2$ )، شاخص مجذور خی بر درجه آزادی ( $\chi^2/df$ )، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش انطباقی (AGFI) و خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA) استفاده شد. در این مطالعه، همسو با نتایج مطالعه شولتز و همکاران (۲۰۰۵) به منظور آزمون روایی عاملی مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده (PSRS) از یک الگوی چندبعدی استفاده شد.

#### یافته‌ها

جدول ۱ اندازه‌های توصیفی میانگین و انحراف استاندارد گویه‌های PSRS را در دانشجویان نشان می‌دهد.

1. Hu & Bentler

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد گویه‌های PSRS در نمونه دانشجویان

انحراف استاندارد	میانگین	گویه‌ها
۰/۶۵	۱/۱۹	۱. وقتی که کارها و وظایفم آن‌قدر سنگین می‌شوند که به سختی می‌توانم آن‌ها را سروسامان دهم الف) عموماً ناراحت نمی‌شوم ب) عموماً کمی ناراحت می‌شوم ج) عموماً خیلی عصبی می‌شوم
۰/۴۹	۱/۵۷	۲. وقتی پس از یک روز سخت کاری می‌خواهم استراحت کنم الف) برایم معمولاً کار مشکلی است ب) عموماً موفق می‌شوم ج) عموماً با این قضیه مشکلی ندارم
۰/۶۸	۱/۴۲	۳. وقتی با دیگران مشکلی دارم که ممکن است فوری حل نشود الف) عموماً نسبت به آن بی‌اعتنا هستم ب) این موضوع معمولاً تأثیری بسیار کمی بر من می‌گذارد ج) این موضوع معمولاً تأثیری بسیار زیادی بر من می‌گذارد
۰/۶۳	۰/۸۲	۴. وقتی اشتباه می‌کنم الف) به‌طور کلی اعتماد به‌نفسم را حفظ می‌کنم ب) گاهی نسبت به توانایی‌هایم شک می‌کنم ج) اغلب نسبت به توانایی‌هایم مشکوکم
۰/۵۰	۱/۴۵	۵. وقتی به‌غلط مورد انتقاد دیگران قرار می‌گیرم الف) عموماً مدت زیادی ناراحت می‌مانم ب) فقط مدت کوتاهی ناراحت می‌شوم ج) به‌طور کلی اصلاً ناراحت نمی‌شوم
۰/۶۶	۰/۹۸	۶. وقتی با دیگران درگیر می‌شوم الف) عموماً سریع آرام می‌شوم ب) عموماً مدتی ناراحت می‌مانم ج) عموماً مدت زیادی طول می‌کشد تا آرام شوم
۰/۷۹	۱/۰۱	۷. وقتی برای انجام کاری مهلت خیلی کمی دارم الف) عموماً آرامش خود را حفظ می‌کنم ب) عموماً احساس ناراحتی می‌کنم ج) عموماً کاملاً برآشفته می‌شوم
۰/۴۹	۱/۴۴	۸. وقتی اشتباه می‌کنم الف) عموماً مدت زیادی ناراحت می‌مانم ب) عموماً مدت کوتاهی ناراحت می‌مانم ج) عموماً به‌آسانی بر آن غلبه می‌کنم
۰/۶۷	۰/۸۰	۹. وقتی در یک موقعیت اجتماعی مطمئن نیستم که چه کار کنم یا چه بگویم الف) عموماً آرامش خود را حفظ می‌کنم ب) اغلب احساس گرما می‌کنم ج) اغلب شروع می‌کنم به عرق کردن
۰/۴۸	۱/۶۳	۱۰. وقتی پس از یک کار سخت، وقت آزاد دارم الف) اغلب برایم سخت است که استراحت و تجدیدقوا کنم ب) عموماً کمی وقت لازم دارم تا به‌درستی تجدیدقوا کنم ج) معمولاً می‌توانم به‌خوبی استراحت کنم و مشکلات روز را فراموش کنم
۰/۴۱	۰/۲۲	۱۱. وقتی مورد انتقاد دیگران قرار می‌گیرم الف) استدلال‌های مهم معمولاً وقتی به ذهنم می‌رسد که دیگر خیلی دیر است ب) اغلب برایم سخت است که پاسخ مناسبی پیدا کنم ج) معمولاً دنبال پاسخی می‌گردم که از خود دفاع کنم
۰/۶۵	۰/۹۸	۱۲. وقتی چیزی طبق انتظارم پیش نرود الف) معمولاً آرامش خود را حفظ می‌کنم ب)

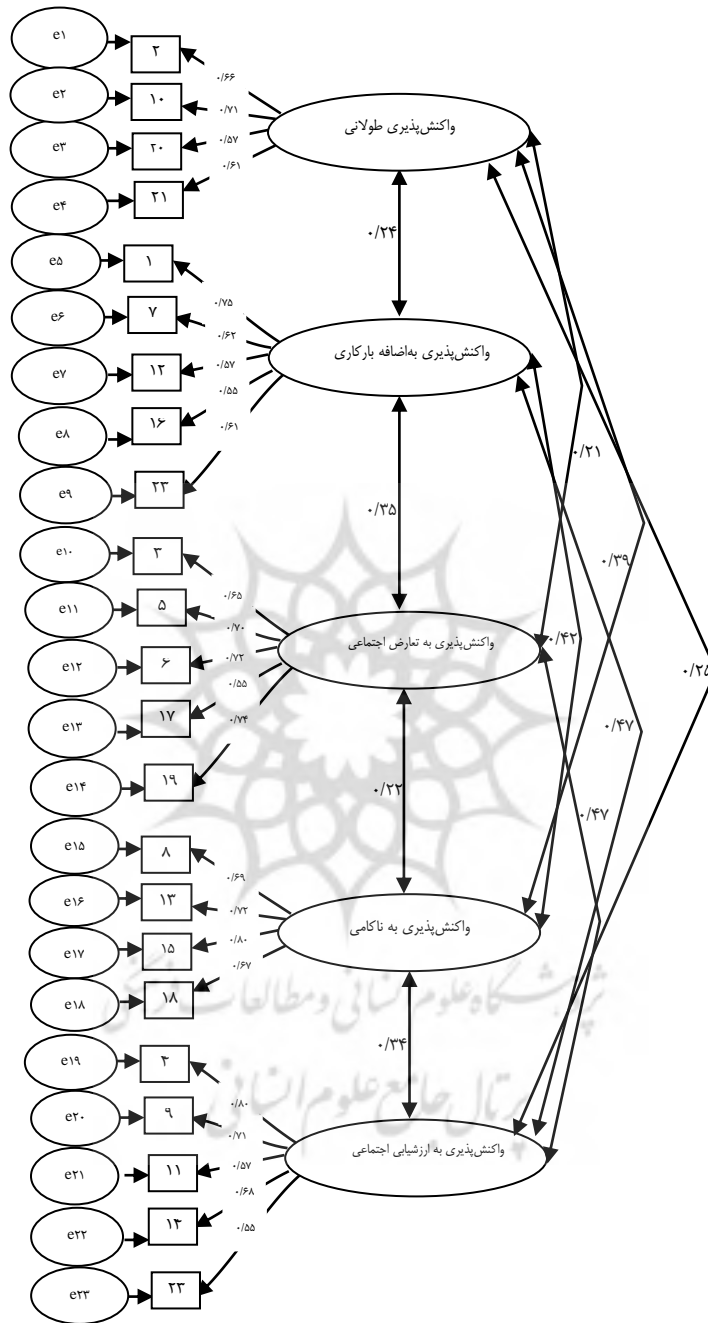
اغلب احساس ناراحتی می‌کنم (ج) معمولاً خیلی برآشفته می‌شوم		
۰/۵۰	۱/۴۵	۱۳. وقتی به هدفی نمی‌رسم (الف) معمولاً مدت زیادی ناراحت خواهم بود (ب) معمولاً مأیوس می‌شوم ولی زود خوب می‌یابم (ج) معمولاً به‌ندرت نگران می‌شوم
۰/۶۴	۰/۷۷	۱۴. وقتی دیگران از من انتقاد می‌کنند (الف) معمولاً اصلاً اعتماد به‌نفسم را از دست نمی‌دهم (ب) معمولاً کمی اعتماد به‌نفسم را از دست می‌دهم (ج) معمولاً خیلی دچار احساس عدم اعتماد به‌نفس می‌شوم
۰/۴۸	۱/۳۷	۱۵. وقتی در انجام کاری شکست می‌خورم (الف) معمولاً قبول آن برایم سخت است (ب) معمولاً آن را تا حدی می‌پذیرم (ج) به‌طور کلی، به‌ندرت به آن فکر می‌کنم
۰/۴۹	۱/۵۴	۱۶. وقتی در آن واحد کارهای زیادی از من می‌خواهند (الف) معمولاً قبول آن برایم سخت است (ب) معمولاً احساس ناراحتی می‌کنم (ج) معمولاً وقفه‌های جزئی هم ناراحتی می‌کند
۰/۴۸	۱/۶۵	۱۷. وقتی دیگران حرف نادرستی در مورد من می‌زنند (الف) معمولاً خیلی ناراحت می‌شوم (ب) معمولاً کمی ناراحت می‌شوم (ج) معمولاً به آن اهمیت نمی‌دهم
۰/۴۹	۱/۴۱	۱۸. وقتی در کاری شکست می‌خورم (الف) معمولاً خیلی احساس ناراحتی می‌کنم (ب) معمولاً قدری احساس ناراحتی می‌کنم (ج) به‌طور کلی اهمیت نمی‌دهم
۰/۴۹	۱/۵۷	۱۹. وقتی با دیگران مشاجره می‌کنم (الف) معمولاً خیلی ناراحت می‌شوم (ب) معمولاً کمی ناراحت می‌شوم (ج) معمولاً ناراحت نمی‌شوم
۰/۵۰	۱/۵۳	۲۰. وقتی تحت استرس هستم (الف) معمولاً اصلاً نمی‌توانم از اوقات فراغتم لذت ببرم (ب) معمولاً به‌سختی از اوقات فراغتم لذت می‌برم (ج) معمولاً از اوقات فراغتم لذت می‌برم
۰/۷۴	۰/۹۲	۲۱. وقتی که کارها و وظایفم طوری روی هم جمع می‌شوند که به‌سختی می‌توانم آن‌ها را انجام دهم (الف) خوابم تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد (ب) خوابم کمی مختل می‌شود (ج) خوابم خیلی مختل می‌شود
۰/۴۹	۰/۳۹	۲۲. وقتی مجبورم جلوی دیگران صحبت کنم (الف) اغلب خیلی عصبی می‌شوم (ب) اغلب قدری عصبی می‌شوم (ج) معمولاً آرامش خود را حفظ می‌کنم
۰/۷۳	۰/۹۶	۲۳. وقتی کارها و وظایف زیادی برای انجام دادن دارم (الف) کلاً آرامش خود را حفظ می‌کنم (ب) معمولاً بی‌تاب می‌شوم (ج) اغلب زودرنج می‌شوم

در مطالعه حاضر قبل از تحلیل داده‌ها به کمک روش آماری تحلیل عاملی تأییدی، همسو با پیشنهاد کلاین<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) و میرز، گامست و گارینو<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) مفروضه‌های بهنجاری تک‌متغیری - به کمک برآورد مقادیر چولگی و کشیدگی - بهنجاری چندمتغیری و

1. Kline  
2. Meyers, Gamst & Guarino

مقادیر پرت - از طریق روش فاصله ماهالانوبیس و داده‌های گمشده - به کمک روش بیشینه انتظار - آزمون و تأیید شدند. در ادامه، همسو با مطالعه شولتز و همکاران (۲۰۱۱) با هدف آزمون برازندگی الگوی ساختاری مفروض PSRS مشتمل بر پنج عامل واکنش‌پذیری طولانی، واکنش‌پذیری نسبت به اضافه‌بار کاری، واکنش‌پذیری نسبت به تعارض‌های اجتماعی، واکنش‌پذیری نسبت به ناکامی و واکنش‌پذیری نسبت به ارزشیابی اجتماعی با داده‌های مشاهده در نمونه دانشجویان ایرانی، از روش آماری تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. به بیان دیگر، در این مطالعه، به کمک تحلیل عاملی تأییدی و با استفاده از نرم‌افزار آموس نسخه ۱۸، الگوی پنج عاملی مفروض PSRS آزمون شد.

شکل ۱ نتایج تحلیل عاملی تأییدی با هدف آزمون برازندگی الگوی اندازه‌گیری مفروض با داده‌ها را نشان می‌دهد. نتایج روش تحلیل عاملی تأییدی در نمونه دانشجویان ایرانی از ساختار پنج عاملی PSRS به‌طور تجربی حمایت کرد. نتایج مربوط به شاخص‌های برازش الگو پنج عاملی در نمونه دانشجویان ایرانی برای هر یک از شاخص‌های پیشنهادی هو و بنتلر (۱۹۹۹) شامل شاخص مجذور خی ( $\chi^2$ )، شاخص مجذور خی بر درجه آزادی ( $\chi^2/df$ )، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش انطباقی (AGFI) و خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA) به ترتیب برابر با ۲۹۲/۷۱، ۱/۳۳، ۰/۹۳، ۰/۹۳، ۰/۹۱ و ۰/۰۲۷ به دست آمد.



شکل ۱. تحلیل تأییدی ساختار چندبُعدی PSRS

روایی سازه PSRS. در نهایت، در این مطالعه به منظور بررسی روایی سازه PSRS، همبستگی بین زیرمقیاس‌های مختلف مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک شده شامل واکنش‌پذیری طولانی، واکنش‌پذیری نسبت به اضافه‌بار کاری، واکنش‌پذیری نسبت به تعارض‌های اجتماعی، واکنش‌پذیری نسبت به ناکامی و واکنش‌پذیری نسبت به ارزشیابی اجتماعی با سازگاری هیجانی گزارش شد. در جدول ۳، همبستگی منفی و معنادار بین زیرمقیاس‌های مختلف مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک شده با سازگاری هیجانی، به طور تجربی از روایی سازه PSRS حمایت کرد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی ابعاد واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک شده با سازگاری هیجانی

سازگاری هیجانی	
واکنش‌پذیری طولانی	۰/۲۲**
واکنش‌پذیری نسبت به اضافه‌بار کاری	۰/۵۰**
واکنش‌پذیری نسبت به تعارض‌های اجتماعی	۰/۳۶**
واکنش‌پذیری نسبت به ناکامی	۰/۳۱**
واکنش‌پذیری نسبت به ارزشیابی اجتماعی	۰/۴۲**

\*\*P < ۰/۰۱

## بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف تحلیل روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک شده در بین گروهی از دانشجویان ایرانی انجام شد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نسخه فارسی مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک شده همسو با یافته مطالعه شولتز و همکاران (۲۰۱۱) از ساختار چندبعدی PSRS شامل زیرمقیاس‌های واکنش‌پذیری طولانی، واکنش‌پذیری نسبت به اضافه‌بار کاری، واکنش‌پذیری نسبت به تعارض‌های اجتماعی، واکنش‌پذیری نسبت به ناکامی و واکنش‌پذیری نسبت به ارزشیابی اجتماعی به طور تجربی حمایت کرد. علاوه بر این، نتایج همبستگی بین زیرمقیاس‌های مختلف واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک شده با نمرات سازگاری هیجانی دانشجویان

نشان داد که مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده از روایی سازه برخوردار است.

باز تکرار ساختار چندبعدی مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده در یک نمونه فارسی‌زبان با تأکید بر منطق پیشنهادی شولتز و همکاران (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده به‌مثابه یک کیفیت روان‌شناختی صفت‌محور، زیربنای تفاوت‌های فردی در پاسخ‌های فیزیولوژیک و روان‌شناختی را نسبت به طیف وسیعی از تجارب استرس‌زا تشکیل می‌دهد. به‌بیان‌دیگر، نتایج مطالعه حاضر همسو با یافته مطالعه شولتز و همکاران (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده به‌مثابه صفتی است که تفاوت‌های فردی نسبتاً پایداری را در پاسخ‌دهی به تجارب استرس‌زا مشخص می‌کند.

علاوه بر این نتایج مطالعه حاضر نشان داد که رابطه بین سازگاری هیجانی با زیرمقیاس‌های مختلف واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده منفی و معنادار است. لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴؛ نقل از سیمیرا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶) تأکید کردند که رگه‌های شخصیتی از طریق اثرگذاری بر ادراک از تهدید یا فقدان و واکنش‌های هیجانی و فیزیولوژیک همراه، تجارب استرس‌زای افراد را پیش‌بینی می‌کنند. به‌بیان‌دیگر، طبق دیدگاه اسمیت و اسپرو<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) شخصیت از طریق رابطه با مجموعه فرایندهای بااهمیت ارزیابی و مقابله، در موقعیت‌های مختلف تجارب استرس‌زای افراد را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین، سالس و مارتین<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) دریافته‌اند که رگه‌های شخصیتی از طریق چهار سازوکار بر شیوه ترجیحی افراد در مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زا و سطوح تجارب استرس‌زای آن‌ها تأثیر می‌گذارند. بر این اساس، افراد بر اساس صفات شخصیت خود (۱) از امکانات متفاوتی برای مواجهه با عوامل استرس‌زا برخوردارند، (۲) ابعاد ویژه یک موقعیت را کمتر یا بیشتر

- 
1. Semmer
  2. Smith & Spiro
  3. Suls & Martin



استرس‌زا تلقی می‌کنند، ۳) حتی با کنترل شدت ارزیابی تنیدگی، واکنش آن‌ها به موقعیت‌ها متفاوت است و در نهایت ۴) از روش‌های مقابله‌ای متفاوتی استفاده می‌کنند.

**مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زا.** یکی از مسیرهای مهمی که از طریق آن شخصیت بر تجارب استرس‌زا اثر می‌گذارد تغییر در احتمال رویارویی با موقعیت‌های استرس‌زا است. غالب نظریه‌پردازان اتفاق نظر دارند که تفاوت‌های فردی باثبات، یکی از مهم‌ترین وجوه انتخاب موقعیت‌ها به‌وسیله افراد است (میشل و شودا، ۱۹۹۸). زاترا، افلک، تنن، ریچ و دیویس (۲۰۰۵) تأکید کردند که رگه شخصیتی روان‌آزرده‌گرایی یا فقدان سازگاری هیجانی در پیش‌بینی تجربه وقایع منفی و استرس‌زا مؤثر است. سالس و مارتین (۲۰۰۵) نیز نشان دادند که افراد با روان‌آزرده‌گرایی بالا به دلیل مواجهه بیشتر با موقعیت‌های استرس‌زا، تجارب هیجانی منفی بیشتری گزارش می‌کنند.

**ارزیابی موقعیت‌های متفاوت به‌صورت استرس‌زا.** لازاروس (۱۹۹۹) تأکید می‌کند که شخصیت از طریق اثرگذاری بر فرایندهای ارزیابی شناختی - به‌مثابه یک مؤلفه اساسی در الگوی فرایندی استرس - در پیش‌بینی تجارب استرس‌زا مؤثر است. افرادی که در ویژگی انعطاف‌پذیری نمره بالایی کسب می‌کنند، در مواجهه با وقایع تنیدگی‌زا، فشار کمتری گزارش می‌کنند. برخی شواهد پژوهشی نشان می‌دهند که روان‌رنجورخویی در پیش‌بینی ارزیابی‌های شناختی ناکارآمد در مواجهه با موقعیت‌های مختلف، مؤثر است (راستینگ، ۱۹۹۸). بر این اساس، افراد با اضطراب صفتی بالا - به‌مثابه مؤلفه اصلی روان‌آزرده‌گرایی - به‌طور انتخابی بیشتر به محرک‌های تهدیدکننده توجه می‌کنند و همواره در صدد هستند که در مواجهه با موقعیت‌های مبهم تفاسیر تهدیدکننده‌ای نشان دهند (سالس و مارتین، ۲۰۰۵). همچنین، افراد با ویژگی خصومت بالا - به‌مثابه یکی دیگر از وجوه عامل شخصیتی روان‌آزرده‌گرایی - شدیداً نسبت به سرنخ‌های مربوط به علامت‌های خشونت در دیگران حساس بوده و همواره در صدد هستند که سرنخ‌های مبهم را به‌صورت نشانگرهای خصومت ارزیابی کنند (برکویتز، ۱۹۹۸). افراد با عزت‌نفس پایین - به‌مثابه یکی دیگر از

ویژگی‌های افراد روان‌رنجور خو - از آنجا که تجارب شکست را به صورت «خود شناساننده» ارزیابی می‌کنند تنیدگی بیشتری متحمل می‌شوند (سیمیر، ۲۰۰۶).

**واکنش متمایز نسبت به موقعیت‌های استرس‌زا.** واکنش شدید به آن دسته از وقایع منفی که به صورت مشابه ارزیابی می‌شوند، مسیر دیگری است که متغیرهای شخصیتی را به تجارب استرس‌زا مربوط می‌سازد. در واقع، یک مؤلفه اساسی ویژگی کلی هیجان‌پذیری منفی از طریق الگوهای پاسخ‌دهی فیزیولوژیک نسبت به محرک‌های منفی مشخص می‌شود (سیمیر، ۲۰۰۶). بنابراین، اضطراب - به‌مثابه یک ویژگی شخصیتی روان‌رنجورخویی - به واکنش‌پذیری بالا نسبت به عوامل استرس‌زا مربوط می‌شود (سالس و مارتین، ۲۰۰۵). زاترا و همکاران (۲۰۰۵) تأکید کردند که روان‌آزرده‌گرایی تأثیر مخرب رخداد‌های منفی را افزایش می‌دهد.

**برخورد با موقعیت‌های استرس‌زا.** لازاروس (۱۹۹۹) با تأکید بر رویکرد موقعیت‌محور و شک و تردید درباره رویکرد صفات‌خاطر نشان می‌سازد که افراد در مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زا از الگوهای مقابله‌ای باثبات و پایداری استفاده نمی‌کنند. در مقابل، برخی از محققان تأکید می‌کنند که برخی از افراد در مقایسه با دیگران در مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زا به‌طور باثباتی بیشتر از اشکال خاصی از راهبردهای مقابله‌ای استفاده می‌کنند (لازاروس، ۱۹۹۹).

مطالعه حاضر چند محدودیت داشت. اول، در مطالعه حاضر برای انتخاب دانشجویان از یک روش نمونه‌گیری غیر تصادفی استفاده شد؛ بنابراین، به دلیل استفاده از روشی غیر احتمالاتی برای انتخاب مشارکت‌کنندگان، ظرفیت تعمیم‌یافته‌های تحقیق به میزان زیادی کاهش نشان می‌دهد. دوم، انجام مطالعه حاضر مشتمل بر یک‌بار اندازه‌گیری بود؛ بنابراین، آزمون میزان ثبات نمره‌های PSRS امکان‌پذیر نیست. سوم، در مطالعه حاضر، آزمون ویژگی‌های فنی PSRS با تمرکز بر روایی عاملی و روایی هم‌گرایی مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده مبتنی بود؛ بنابراین، سنجش ویژگی‌های فنی PSRS با تأکید بر روش‌های دیگری مانند روایی پیش‌بین و روایی واگرا پیشنهاد می‌شود. چهارم، با وجود آن‌که در مطالعه حاضر اندازه‌های مربوط به PSRS از دو گروه جنسی جمع‌آوری شده

است اما تحلیل هم‌ارزی جنسی ساختار عاملی PSRS در کانون توجه محققان قرار نگرفت؛ بنابراین، همسو با مطالعه شولتز و همکاران (۲۰۱۱) و کلی، تیرکا، اندرسن، پریس و کارپنتر<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) تمرکز بر نقش تفسیری متغیر جنس در بافت مطالعاتی واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده یک ضرورت پژوهشی غیرقابل‌انکار است.

در مجموع، نتایج مطالعه حاضر همسو با مطالعه شولتز و همکاران (۲۰۱۱) نشان داد که PSRS برای سنجش واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده از مشخصه‌های روان‌سنجی قابل‌قبول و قانع‌کننده‌ای برخوردار است؛ بنابراین، می‌توان در مطالعات مختلف از مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده به‌منظور غربالگری در موقعیت‌های بالینی، تحلیل روشمند اثرات عوامل ژنتیکی و محیطی بر واکنش نسبت به استرس ادراک‌شده، تحلیل تأثیر برنامه‌های مداخله‌ای بر واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده و درنهایت، برای کنترل تفاوت‌های بین گروهی خط پایه در مطالعات مربوط به استرس استفاده کرد. درنهایت، به‌منظور تحلیل اثرات ترکیبی مواجهه با استرس و تفاوت‌های فردی در واکنش‌پذیری نسبت به استرس بر وضعیت سلامت و بیماری افراد، استفاده همزمان از مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس، نسخه کوتاه فهرست استرس مزمن<sup>۲</sup> (شولتز و شولتز، ۲۰۰۸) و مهارت‌های مدیریت استرس ادراک‌شده<sup>۳</sup> (ویرتز، توماس، دامس، پندا، ایلرت و ناسبک<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳) به محققان پیشنهاد می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

1. Kelly, Tyrka, Anderson, Price & Carpenter
2. Short Trier Inventory for Chronic Stress
3. perceived stress management skills
4. Wirtz, Thomas, Domes, Penedo, Ehlert & Nussbeck

## منابع

- Allott, K. A., Rapado-Castro, M., Proffitt, T., Bendall, S., Garner, B., Butselaar, F., Markulev, C., Phassouliotis, C., McGorry, P. D., Wood, S. J., Cotton, S. M., & Phillips, L. J. (2015). The impact of neuropsychological functioning and coping style on perceived stress in individuals with first-episode psychosis and healthy controls. *Psychiatry Research*, 226 (1), 128-135.
- Buske-Kirschbaum, A., Ebrecht, M., Kern, S., Gierens, A., & Hellhammer, D. H. (2008). Personality characteristics in chronic and non-chronic allergic conditions. *Brain, Behavior and Immunity*, 22, 762° 768.
- Cohen, S., Hamrick, N., Rodriguez, M. S., Feldman, P. J., Rabin, B. S., & Manuck, S. B. (2000). The stability of and intercorrelations among cardiovascular, immune, endocrine, and psychological reactivity. *Annals of Behavioral Medicine*, 22, 171° 179.
- Cohen, S., Janicki-Deverts, D., & Miller, G. E. (2007). Psychological stress and disease. *Journal of the American Medical Association*, 298, 1685° 1687.
- Cole, A.B., Wingate, L. R., Tucker, R. P., Rhoades-Kerswill, S., O Keefe, V. M., & Hollingsworth, D. W. (2015). The differential impact of brooding and reflection on the relationship between perceived stress and suicide ideation. *Personality and Individual Differences*, 83, 170-173.
- Federenko, I. S., Nagamine, M., Hellhammer, D. H., Wadhwa, P. D., & Wust, S. (2004). The heritability of hypothalamus pituitary adrenal axis responses to psychosocial stress is context dependent. *Journal of Clinical Endocrinology and Metabolism*, 89, 6244° 6250.
- Federenk, I., Schlotz, W., Kirschbaum, C., Bartels, M., H ellehammer, D. H., & Wust, S. (2006). The heritability of perceived stress. *Psychological Medicine*, 36, 375° 385.
- Hawkey, L. C., Burleson, M. H., Poehlmann, K. M., Berntson, G. G., Malarkey, W. B., & Cacioppo, J. T. (2001). Cardiovascular and endocrine reactivity in older females: Intertask consistency. *Psychophysiology*, 38, 863° 872.
- Hu, L.-T., & Bentler, P. M. (1999). Cutoff criteria for fit indexes in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives. *Structural Equation Modeling*, 6, 1-55.
- Kelly, M. M., Tyrka, A. R., Anderson, G. M., Price, L. H., & Carpenter, L. L. (2008). Sex differences in emotional and physiological responses to the Trier Social Stress Test. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 39, 87° 98.

- Kline, R. B. (2005). *Principles and practices of structural equation modeling* (2<sup>nd</sup> edition). New York: Guilford.
- Lazarus, R. S. (1999). *Stress and emotion: A new synthesis*. New York: Springer.
- Marca-Ghaemmaghami, P. L., Marca, R. L., Dainese, S. M., Haller, M., Zimmermann, R., & Ehlert, E. (2013). The association between perceived emotional support, maternal mood, salivary cortisol, salivary cortisone, and the ratio between the two compounds in response to acute stress in second trimester pregnant women. *Journal of Psychosomatic Research*, 75 (4), 314-320.
- Marsella, A. J., & Leong, F. T. L. (1995). Cross-cultural issues in personality and career assessment. *Journal of Career Assessment*, 3, 202° 218.
- McEwen, B. S. (1998). Protective and damaging effects of stress mediators. *New England Journal of Medicine*, 338, 171° 179.
- Meyers, L. S., Gamst, G., & Guarino, A. J. (2006). *Applied multivariate research: Design and interpretation*. Sage publication. Thousand Oaks. London. New Dehi.
- Mischel, W. & Shoda, Y. (1998). Reconciling processing dynamics and personality dispositions. *Annual Review of Psychology*, 49, 229° 258.
- Pruessner, J. C., Gaab, J., Hellhammer, D. H., Lintz, D., Schommer, N. C., & Kirschbaum, C. (1997). Increasing correlations between personality traits and cortisol stress responses obtained by data aggregation. *Psychoneuroendocrinology*, 22, 615° 625.
- Rubio, V. J., Aguado, D., Hontangas, P. M., & Hernández, J. (2007). Psychometric properties of an emotional adjustment measure: An application of the graded response model. *European Journal of Psychological Assessment*, 23(1), 39° 46.
- Schulz, P., Jansen, L. J., & Schlotz, W. (2005). Stressreaktivität: Theoretisches Konzept und Messung [Stress reactivity: Theoretical concept and measurement]. *Diagnostica*, 51, 124° 133.
- Schlotz, W., Hammerfald, K., Ehlert, E., & Gaab, J. (2011). Individual differences in the cortisol response to stress in young healthy men: Testing the roles of perceived stress reactivity and threat appraisal using multiphase latent growth curve modeling. *Biological Psychology*, 87 (2), 257-264.
- Schlotz, W., & Schulz, P. (2008). *The Short Trier Inventory for Chronic Stress (STICS)*. Unpublished manuscript. School of Psychology, University of Southampton, Southampton, United Kingdom.
- Schlotz, W., Yim, I. S., Zoccola, P. M., Jansen, L., & Schulz, P. (2011). The perceived stress reactivity scale: Measurement invariance, stability, and validity in three countries. *Psychological Assessment*, 23 (1), 80° 94.

- Schlotz, W., Kumsta, R., Layes, I., Entringer, S., Jones, A., & Wust, S. (2008). Covariance between psychological and endocrine responses to pharmacological challenge and psychosocial stress: A question of timing. *Psychosomatic Medicine*, 70, 787-796.
- Semmer, N. K. (2006). Personality, stress and coping. In M. E. Vollrath (Ed.), *Handbook of Personality and Health*, (pp. 73-114) John Wiley & Sons.
- Smith, T. W. & Spiro, A. (2002). Personality, health and aging: Prolegomenon for the next generation. *Journal of Research in Personality*, 36, 363-394.
- Steinhardt, M. A., & Dolbier, C. L. (2008). Evaluation of a resilience intervention to enhance coping strategies and protective factors and decrease symptomatology. *Journal of American College Health*, 56 (4), 445-453.
- Suls, J., & Martin, R. (2005). The daily life of the garden-variety neurotic: Reactivity, stressors exposure, mood spillover, and maladaptive coping. *Journal of Personality*, 73, 1-25.
- Wessa, M., Rohleder, N., Kirschbaum, C., & Flor, H. (2006). Altered cortisol awakening response in posttraumatic stress disorder. *Psychoneuroendocrinology*, 31, 209-215.
- Wirtz, P. H., Thomas, L., Domes, G., Penedo, F. J., Ehlert, U., & Nussbeck, F. W. (2013). Psychoendocrine validation of a short measure for assessment of perceived stress management skills in different non-clinical populations. *Erschienen in: Psychoneuroendocrinology*, 38 (4), 572-586.
- Zautra, A.J., Affleck, G.G., Tennen, H., Reich, J.W. & Davis, M.C. (2005). Dynamic approaches to emotion and stress in everyday life: Bolger and Zuckerman reloaded with positive as well as negative effects. *Journal of Personality*, 73, 1511-1538.